

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

روایت زنان عضو هیأت علمی مراکز عالی آموزشی و پژوهشی

در تعادل بین کار و زندگی در ایام کرونا

بهاره نصیری

دانشیار و عضو هیات علم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

Email: Bn.nasiri@gmail.com

آ ۴ پ تیاری

ارشنا پی ی ژوه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

Email: Amene.bakhtiari@gmail.com

چکیده

کار و زندگی، دو نهاد مهم برای فرد و جامعه به شمار می‌آیند، و برقراری تعادل میان نقش‌های شغلی و خانوادگی، اهمیتی به‌سزا در پیشبرد موفق اهداف دارد. همه‌گیری جهانی کووید-۱۹ در سال ۲۰۲۰ میلادی، زندگی تمام مردم را به گونه‌های مختلف تحت تاثیر قرار داد و با چالش‌هایی مختلف روبه‌رو کرد. زنان که همواره محور و نقطه کانونی خانواده به شمار می‌روند، نقش مهمی در این بحران برعهده داشتند. در این میان، زنان اعضای هیأت علمی مراکز عالی آموزشی و پژوهشی، به علت حجم فراوان وظایف حرفه‌ای، با دشواری‌هایی بیشتر برای برقراری تعادل بین نقش‌های شغلی و خانوادگی به‌ویژه در بحران کرونا مواجه بودند؛ بنابراین لزوم ثبت و ضبط خاطرات و تجربه زیسته آن‌ها، راهی مناسب به منظور تبیین تجربیات زنان طی زندگی در این بحران جهانی است. بحران کووید-۱۹ این فرصت را فراهم آورد تا به تجربه زیسته زنان عضو هیأت علمی در همه‌گیری این بیماری پرداخت تا راهگشای آیندگان باشد. این پژوهش به روش کیفی و با انجام مصاحبه با ۳۰ نفر از زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های تهران در ایام کرونا انجام شده، و به تحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌ها پرداخته است. یافته‌های این پژوهش در بخش کار و زندگی ارائه گردید، به طوری که حوزه کار شامل «مدیریت زمان»، «محو شدن مرز بین خود شاغل و خود خانه‌دار»، «چند نقشی بودن هم زمان و فشار نقش‌ها»، «رسیدگی به امور عقب افتاده پژوهشی»، «اختلال در روند انجام وظایف»، و حوزه زندگی شامل «خانه نشینی ناگزیر»، «فرهنگ قرنطینه و شیوه تنها زیستن»، «رویداد تروماتیک شده»، «ترومای فرهنگی یا شوک فرهنگی»، «بازآفرینی در معنای خانه»، «تغییر شکل اوقات فراغت در خانه و فراغت آشفته مادران»، «انباشت فرسودگی ناشی از نگرانی سلامت اعضای خانواده» ظهور پیدا کرده است.

کلیدواژه‌ها: زنان، عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها، روایت زنان، تعادل کار و زندگی، ایام کرونا.

مقدمه

پیدایش و شیوع غافلگیرانه ویروس کووید ۱۹ در سال ۱۳۹۸، منجر به این شد که افراد و جوامع، قالب‌هایی تازه بیابند و تعاریفی نو از نقش‌ها عرضه گردد. در عین حال، این ایام، زندگی انسان‌ها را دستخوش تغییرات و در نتیجه ایجاد الگوهای جدید زیستی و حیاتی در جامعه کرده. هدف از مقاله حاضر، رسیدن به این الگوها است: از آنجا که زنان همواره دارای نقش‌هایی چندگانه اند، حتی در بحران‌ها هم نقشی مؤثر در مواجهه و مدیریت آن دارند. در این میان، زنان شاغل و به ویژه اعضای هیأت‌های علمی دانشگاهی و پژوهشی، در مرخصی به سر نمی‌برند، بلکه آماده بودند تا هر مسئولیتی که به آن‌ها سپرده می‌شد، انجام داده و ملزم به ارائه گزارش دور کاری نیز بودند.

در حقیقت با شیوع این ویروس در کشور و به تبع اشاعه جهانی آن، جامعه انسانی به سمت وضعیت تعلیق رفت و کم‌کم همه اقشار و ابعاد زندگی انسان را تحت‌الشعاع خود قرار داد. شاید بتوان گفت، شیوع ویروس کرونا در جهان و کشور ایران، به یک بحران اجتماعی بدل شد که نه تنها بدن‌ها و بهداشت انسان‌ها را درگیر کرد، بلکه پیامدهای بسیار جدی‌اش برای خانواده، فرهنگ، اجتماع، سیاست، اقتصاد و ارتباطات در سطوح عاملیتی و ساختاری و مدیریت بحرانی‌اش به چالشی جدی بدل گردید. این نوع التهاب‌ها نه تنها بر عملکرد افراد، بلکه بر کارکرد نهادها، سازمان‌ها و سامان جامعه اثر می‌گذارد. احساس جمعی بر آن است که چنین اتفاقاتی هولناک، نه تنها موقعیت امروز، بلکه آینده نزدیک و دور جامعه را به خطر می‌اندازد و ممکن است هویت و هستی آن‌ها را برای همیشه نابود سازد. این موقعیت و حالت را جفری الکساندر «ترومای فرهنگی» می‌نامد (الکساندر، ۲۰۰۴، ص ۱۲). وی که نظریه پرداز ترومای فرهنگی است، استدلال می‌کند که در موقعیت «ترومای فرهنگی»، روابط جدیدی میان ساختارها، سیستم‌ها، مفاهیم و کنش‌ها برقرار می‌شود. در چنین موقعیتی «مسئولیت اجتماعی» و «کنش سیاسی» معنا، هویت و هستی تازه‌ای پیدا می‌کند و افراد و سازمان‌ها ناگزیر باید متناسب با موقعیت مزبور، ساز و کارها و عملکردهای خود را بازتعریف و ارائه کنند. ترومای فرهنگی، امری طبیعی نیست، بلکه «برساخته اجتماعی» است که از نحوه معنادهی، چینش و ترکیب و قرارگیری رخدادهای در کنار هم ایجاد می‌شوند.

در حالی که بحران کرونا جامعه را در بر گرفته بود، پرداختن به روایت انتخاب و استراتژی‌های زنان برای مهار کرونا در خانه و خارج از خانه، اهمیتی دو چندان یافت، و حساسیت نحوه حضور و مشارکت آنها طی ایام کرونا (چه زنانی که در نقش پرستار، بهیار و پزشک بودند و چه در نقش مادر، همسر، فرزند، معلم و استاد)، بیش از پیش دیده شد. بر همین اساس، بسیار ضروری است نقش و عملکرد زنان را به عنوان عاملان مؤثر در مدیریت بحران کرونا مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم؛ زیرا آنها در سطح خانوادگی و در اجتماع، با نگاهی مسئولیت‌پذیر و روحیه‌ای سرشار از عاطفه و توان مراقبتی، کشور را در آغوش خود پرستاری کردند به گونه‌ای که وجود پرمهرشان همچون آبی بر آتش اضطراب و تشویش بود.

زنان در وجودشان احساس مادرانه‌ای پنهان دارند که سرمنشأ آرامش‌اند. در چنین موقعیت‌هایی، آنها معمولاً انتظارات بیشتری از خود پیدا می‌کنند؛ زیرا در می‌یابند که به عنوان یکی از ارکان اصلی باید شرایط مساعدتری فراهم نمایند. شاید بارها از خود بپرسند که در این لحظه بهتر است چه کاری انجام دهیم؟ آنچه اهمیت دارد، این است که زنان به اقتضای شرایط می‌خواهند سهم خود را در مهار بحران به خوبی انجام دهند.

پرداختن به روایت انتخاب و استراتژی‌های زنان برای مهار کرونا در خانه و خارج از خانه در هنگامه‌ای که بحران کرونا همه‌ساحت زنان، مردان و کودکان را در نوردیده بود، حائز اهمیت است؛ همچنان که حساسیت نحوه حضور و مشارکت‌شان طی روزهای کرونایی بیش از پیش دیده شد. بازنگری در این مقوله شاید بتواند فرصتی برای بازنمایی نگاه اجتماعی به توانایی زنان به ویژه صنف دانشگاهی، و کم رنگ شدن شکاف‌ها و تفاوت‌های مفروض و حرکت به سمت نقش آفرینی مؤثر آنها باشد.

آنچه در این بحث اهمیت دارد، آن است که توانایی زنان در مدیریت، همواره در محدوده منافع یا جهت خاصی نبوده، و مساعدت آنها معمولاً در همه میدان‌های اجتماعی شاید کمتر به چشم آمده؛ در حالی که آنها در هر موقعیتی به فراخور سهم خود، مؤثر و مفید نقش آفرینی کرده‌اند.

هدف و ضرورت این بحث، پرداختن به روایتی از فعالیت‌های زنان دانشگاهی است که در راستای مشارکت مضاعف در مهار بحران کرونا، همراه خانواده و جامعه، روزهای

متفاوتی را سپری کردند. این مطالعه با هدف بررسی تأثیر دوره انزوا بر زندگی روزمره زنان دانشگاهی انجام شده، و تأثیرات نقاط قوت و ضعف آنها از این دوره مورد بررسی قرار گرفته است.

شناسایی شرایط اثرگذار بر ایفای متعادل نقش‌ها با کمک به شناخت عمیق‌تر مسائل زنان عضو هیئت علمی می‌تواند نقشی مهم در مسیر برقراری تعادل میان نقش‌های شغلی و خانوادگی داشته، و به این ترتیب به ایفای هر چه بهتر نقش‌های شغلی و خانوادگی کمک کند. این مطالعه با هدف بررسی تأثیر بحران کرونا بر تعادل کار و زندگی روزمره زنان متأهل دانشگاهی انجام شده است.

مستندسازی تجربیات زنان به خاطر نقشی مهم که در خانواده و اجتماع برعهده دارند، و قابلیت‌های ویژه‌ای که در حوزه تعادل میان مناسبات کار و زندگی‌شان در آن ایام از خود بروز داده‌اند، روشنایی بخش آیندگان خواهد بود. این مطالعه در پی آن است تا با ضبط و ثبت تجربه‌های زنان در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ و با بهره‌مندی از روش پدیدارشناسی، روایت‌های زنانه از این بحران را تبیین نماید و روشنایی بخش آیندگان باشد. جهت رسیدن به عمق چنین احساسات و تجربیاتی، باید به بررسی اذهان درگیر در این تجارب، با تکیه بر ذهن یک ناظر بی‌طرف به قضاوت نشست. منطقی‌ترین راه برای رسیدن به کُنه معنای این واقعیت، بررسی تجارب و آگاهی‌های کنشگران درگیر ماجرای مزبور است که می‌تواند افق‌هایی از فهم موضوع را به ما عرضه کند. هدف اصلی مطالعه حاضر، شناسایی مؤلفه‌های اثرگذار بر تجربه زیسته زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در برقراری تعادل میان کار و زندگی در ایام کرونا است.

مفاهیم نظری

۱. تعادل کار و زندگی

مفهوم تعادل کار و خانواده در مطالعات، با اصطلاحات و تعاریف گوناگونی به کار رفته است. کسپر و همکاران (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای با فراتحلیل ۲۹۰ مقاله، ۲۳۳ تعریف مفهومی برای تعادل شناسایی کرده‌اند. از اولین تعاریف ارائه شده، مارکز و مک درمید (۱۹۹۶)، تعادل نقش را به عنوان درگیری کامل برای انجام هر نقش ابراز نموده‌اند.

یکی از کاربردی‌ترین تعاریف برای تعادل، تعریف گرینهاوس و آلن (۲۰۱۱) است که تعادل را وضعیتی می‌دانند که اثربخشی نقش و رضایت از نقش متناسب با اولویت‌های زندگی وجود داشته باشد (Casper et al., 2018: 183)

کروکر و همکاران (۲۰۰۲)، یک چارچوب نظری ایجاد کرده‌اند که بیان می‌کند چگونه پیچیدگی (پویایی) زندگی، بر تعادل کار-زندگی تأثیر می‌گذارد، و تأثیرات تعدیل‌کننده چهار متغیر دهنده منابع و دسترسی آنها در زندگی، تفاوت‌های شخصیتی و سیستم‌های ارزش فردی را بر رابطه بین پیچیدگی (پویایی) زندگی و تعادل کار و زندگی توضیح می‌دهد. براساس چارچوب کروکر، تعادل بین کار و زندگی، ثباتی است که با تعادل بین پیچیدگی و پویایی زندگی فرد با منابع محیطی و شخصی مانند خانواده، جامعه، کارفرما، حرفه، جغرافیا، اطلاعات، اقتصاد، شخصیت و ارزش‌ها مشخص می‌شود.

۲. تعادل کار و زندگی زنان عضو هیأت علمی

براساس مطالعات انجام شده، دستیابی به تعادل کار-زندگی (رضایت کلی از زندگی و کار) می‌تواند سبب رضایت شخصی در هر دو حوزه و در نهایت منتج به یک وضعیت روانی مناسب و رفاه شود. در مقابل، تجارب ناخوشایند در کار و خانواده به استرس و بیماری انجامیده و بهزیستی کلی فرد را مختل می‌کند. در وضعیت نخست، کیفیت رفتار و عملکرد در محل کار و خانواده افزایش یافته، و عدم تعادل بین زندگی کاری و خانوادگی، در وضعیت دوم، عملکرد را بدتر و رفتار منفی را تشدید می‌نماید.

تعادل بیشتر کار و خانواده به طور مثبت با رضایت زناشویی و خانواده مرتبط است و موجب عملکرد بهتر در زندگی خانوادگی می‌شود (Vasumathi, 2018: 129).

شغل اعضای هیئت علمی ماهیتاً دشوار، و نیازمند کسب دانش و مهارت‌های به روز است، و همین امر موجب می‌شود ملاک فعالیت لازم برای ایفای وظایف شغلی و انجام وظایف مورد انتظار بوده و تعریف زمان و میزان ساعت کاری مشخص برای آن بی‌معنا باشد. این ویژگی سبب ایجاد نوعی فشار زمانی، وظیفه یا عدم زمان محوری است که موجب باز بودن زمان انجام کار، محدود نبودن آن به ساعات حضور در دانشگاه و همراه آوردن کار به خانه است.

شغل اعضای هیئت علمی به مثابه یک پروژه فکری شبانه‌روزی برای آنان است که مشغله ذهنی مداوم را حتی در ایام تعطیلات و اوقات فراغت به همراه دارد. بدین ترتیب و به دلیل اقتضات وظایف شغلی نظیر وظیفه محور بودن و عدم زمان محوری تکالیف شغلی، عدم فراغت ذهنی پس از اتمام ساعات کار، مشغله ذهنی شبانه‌روزی، وظایف متعدد و متنوع شغلی، درهم تنیدگی کار و زندگی (دباغی ۱۳۹۰: ص ۲۵۲)، و محدود نبودن درگیری‌های فکری، آموزشی، پژوهشی و علمی پر دامنه به حیطه جغرافیای محل کار، برقراری تعادل بین نقش شغلی و خانوادگی و به طور خاص مادری برای زنان عضو هیئت علمی با دشواری‌های خاص همراه است (باقری، ۱۳۸۶: ص ۱۱۸).

۳. زنان و همزیستی با کرونا

زندگی، مملو از چالش‌ها، آسیب‌ها، بلایا و بحران‌های متعدد است. شیوع کرونا یکی از چالش‌های بی‌سابقه در دهه‌های اخیر بود که توانست سلامت و حیات بخشی مهم از اجتماعات انسانی کشورها را با بحران مواجه کند. شیوع ویروس، ناشناختگی و فقدان داروی مؤثر برای درمان و کنترل آن، اضطراب و ترس مهیب بر جامعه جهانی وارد کرد، و فراگیر شدنش جامعه را به یک موقعیت ناامن از نظر سلامت و بهداشت روانی فرو برد.

هویت انسان معاصر به روایت آنتونی گیدنز و بسیاری از نظریه‌پردازان اجتماعی دیگر، خصلت «بازاندیشانه یا بازتابی» دارد. بازتابندگی هویت به معنای سیال بودن و تغییر آن در نتیجه تغییر شرایط فرهنگی و اجتماعی و ظهور دانش‌ها، دانستنی‌ها است که با ظهور برخی پدیده‌های عمیق مثل ویروس کرونا در زندگی بشر امروز، اشکال تازه‌ای از نقش‌ها آشکار و بروز می‌یابد، و آنچه مسلم است، زیست در جهان و فضای جدید (از جمله جهان پس از کرونا)، بازاندیشی در نظام زیستی و فکری را ایجاب می‌کند. در این میان، خانواده در سایه این تحولات، با فرهنگ نو و ارزش‌های دگرگون شده و تعاریف تحول یافته و سیال، و با حرکت‌های پرفراز و نشیب در زیر لایه‌های فکری و فرهنگی انسان معاصر مواجه می‌شود؛ زیرا که از این پس، منش‌های سنتی نیستند که هویت فرد را می‌سازند، بلکه رویدادهای پیش‌بینی‌ناپذیر روز، افراد را سریع

تحت تأثیر خود قرار می‌دهند و به هر سو متمایل می‌کنند. در این بین آنچه نباید از دیده پنهان بماند، فرصتی است که زنان برای توسعه و بهبود شخصی خود به کار گرفته‌اند. آن‌ها با استفاده از ابزارها و منابع موجود آگاهی بخش، برای پیشبرد اهداف خود و خانواده سعی می‌کنند روح حرکت و پویایی را به خانواده القا کنند. پیامد چنین تلاشی از سوی زنان، نوعی هم‌جهت کردن و هم‌سو شدن ذهنیت اعضای خانواده با یکدیگر است که در راستای هم‌فهمی اجتماعی قرار می‌گیرد.

در ایام کرونا، زمان و اوقاتی را که زنان صرف بالا بردن کیفیت زندگی در خانه با توجه به ضرورت آن می‌کردند، شاید به نوعی، مدیریت بی‌وقفه‌ای را در ابعاد و اضلاع متفاوت، اولویت‌ها و ضرب‌الاجل‌ها در مقایسه با مواقع عادی، تحلیل و تعیین و به انجام می‌رساندند. اکنون هرچه این مدیریت را قوی‌تر احساس کنیم، می‌توانیم نشانی از افزایش سرمایه نوین اجتماعی زنان را در جامعه به لحاظ تکمیل تحصیلات و آگاهی آن‌ها، فرض و استدلال کنیم.

سلامت روان و آرامش روحی خانواده‌ها و به طور کلی جامعه ایران در گرو نقش مؤثر زنان تعریف می‌شود، چرا که مادران با ایفای نقش محوری خود در کانون خانواده، تأثیری مهم در سلامت روان و برقراری آرامش دارند، و وجود پرمهرشان همچون آبی بر آتش اضطراب و تشویش است. زنان در وجودشان احساس مادرانه‌ای پنهان دارند که چه مادر باشند و چه نباشند، سرمنشأ آرامش جامعه اند. زنان در هنگامه افزایش تنش بیماری کرونا از هر ابزاری در جهت آگاهی بخشی به خانواده و جامعه، فروگذار نکردند. امروزه نیز زنان دانشگاهی و فرهیخته، در فضای مجازی با استفاده از رسانه‌ها، در ابعاد و شیوه‌های مختلف دیداری، شنیداری و نوشتاری در حال انتقال محتوا، توصیه‌های بهداشتی و آموزشی اند، و با شناخت دقیق از شرایط و لحن مادرانه و همسرانه، انتقال محتوای دقیق‌تر و مؤثرتری انجام می‌دهند. آن‌ها در هر موقعیتی به فراخور سهم خود، مؤثر، مفید، کارآمد و اثربخش نقش آفرینی می‌کنند. بر این اساس می‌توان پذیرش مسئولیت‌های سنگین با همراهی و مشارکت قدرتمند زنان را مصداق دیگری از خویشنداری آن‌ها دانست؛ نشانه‌ای از نقاط قوت و توانایی فردی‌شان در پایبندی و عمل به ارزش‌ها و فضیلت‌ها. در واقع، سنگ بنای خویشنداری زنانه در ایام کرونا، بر پایه اعتماد جامعه به آن‌ها بازتولید شده بود.

پیشینه پژوهش

در بخش سوابق مرتبط با موضوع تحقیق، می‌توان به مقالاتی در موضوعات کرونا و دورکاری، خانواده و کرونا، مطالعات حوزه نقش‌های شغلی و خانوادگی و تعادل کار - زندگی اشاره نمود که در جهت حساسیت نظری در پژوهش از آن‌ها استفاده شده است.

• عباسی و جیریایی شراهی (۱۴۰۲) در مقاله خود با عنوان «زیسته دورکاری کارکنان دولتی متأهل در دوره همه‌گیری ویروس کرونا، با تأکید بر تعادل کار-زندگی» بیان می‌کنند که دورکاری در ایام همه‌گیری بیماری کووید ۱۹ موجب کاهش تعارض کار-زندگی و بهبود توازن میان کار و زندگی خانوادگی زنان و مردان کارمند متأهل شد. پژوهش مزبور حاکی از آن است که کارمندان متأهل، به پذیرش دورکاری تمایل داشتند، اما نداشتن تجربه قبلی در این حوزه، وجود مشکلات در زیرساخت‌های دورکاری، ضعف فرهنگ دورکاری و به‌وجودآمدن هیجانات منفی ناشی از آن، باعث گردید این موضوع به نحو مطلوب اجرا نشده؛ بنابراین تجربه کنونی دورکاری در ایام شیوع ویروس کرونا می‌تواند به‌عنوان یک تجربه مثبت و یک منبع دانش غنی، مدیران سازمان‌های دولتی را به بازنگری در موضوع اجبار همه کارکنان به حضور تمام‌وقت در محل کار و انعطاف‌پذیری در ساعات حضور در محل کار ترغیب کند.

• فلاحتی و محبوبی شریعت پناهی (۱۴۰۰) در مقاله خود با عنوان «مطالعه تطبیقی فشار نقش‌های چندگانه ناشی از کرونا بر زنان در خانواده، با تأکید بر نظریه اخلاق مراقبت»، نشان داده‌اند، زنان در ایام کرونا، نه‌تنها در معرض از دست‌دادن نقش شغلی خود بودند، بلکه با توجه به اخلاق مراقبت در آنان، نقش‌های والدگری را بیش از گذشته بر دوش کشیدند، که نشان می‌دهد شکاف جنسیتی بزرگی میان زنان و مردان در مورد تأثیرات این پدیده وجود دارد.

• میرحسینی (۱۴۰۰) در مقاله خود با عنوان «مطالعه کیفی مسائل و چالش‌های زندگی زنان در همه‌گیری کووید-۱۹»، چهار مقوله اصلی از این مسائل را شناسایی کرده است (زندگی مختل شده، چالش‌های مبتنی بر بهداشت و سلامت، کنترل و نظارت تشدید یافته بر زندگی روزمره زنان و چالش‌های شغلی و امور خانه‌داری)؛ همچنین به هشت مقوله فرعی شامل تعلیق جریان عادی زندگی، ترس و

استرس مداوم، استیصال و درماندگی در غیاب مراکز و سازمان‌های آموزشی و خدماتی، مسئولیت‌های مراقبتی مضاعف و احساس نادیده گرفته شدن، اشاره نموده. عدم مدیریت بر بدن و حفظ سلامت آن، مداخله در امور زنان و از دست رفتن قلمرو زنانه، کاهش فضا و حریم خصوصی «ازگشت به امور سنتی خانه داری، انتقال مسئولیت‌های شغلی به خانه» از دیگر یافته‌های تحقیق است.

- هاشمیان و همکاران (۱۳۹۹) نشان داده‌اند عوامل تعدیل‌گر در ارتباط میان سنگین‌باری نقش و رفتارهای بازآفرینی تعادل کار-زندگی، در بین اعضای هیأت علمی عبارتند از عوامل فردی شامل خودکارآمدی، خیرگی تجربی، تلقی از تعادل کار-زندگی، الگوی نقش، کانون کنترل درونی و توان انطباق‌پذیری؛ و عوامل سازمانی شامل فرهنگ‌سازمانی پذیرای تعادل، حمایت همکاران، حمایت همسر و انعطاف‌پذیری نقش‌های محوله؛ عوامل فردی - موقعیتی نیز شامل کیفیت تبادلات عضو - گروه، کیفیت تبادلات عضو - مدیر، تناسب شخص - شغل، تناسب شخص - سازمان و کنترل بر شغل و خانه.

- خامه‌چی و همکاران (۱۳۹۹) در فرا تحلیل ۲۶ پژوهش داخلی و خارجی در زمینه توازن کار - زندگی نشان داده‌اند از بین پیشایندهای توازن کار - زندگی، به ترتیب متغیرهای مهارت‌های فردی، حجم کاری زیاد، استقلال کاری، حمایت خانواده و انعطاف‌پذیری کاری دارای بیشترین اندازه اثر هستند.

- حلواچی و همکاران (۱۳۹۹) به این نتیجه رسیده‌اند که بین دانشگاهیان زن و مرد، در رابطه با تعادل کار و زندگی، تفاوت معناداری وجود دارد، ولی تعادل کار و زندگی بر اساس متغیرهای رتبه علمی و رشته، تفاوتی ندارد.

روش پژوهش

جامعه هدف مقاله حاضر، زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری هستند. انتخاب مشارکت‌کنندگان به روش نمونه‌گیری هدفمند انجام گرفت. برای تحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌ها، پس از هر مصاحبه، فایل صوتی به فایل متنی تبدیل و سپس با به کارگیری تکنیک تحلیل محتوایی تلخیصی کدگذاری شد. در این تکنیک، متن به گونه‌ای تلخیص می‌شود که محتوای اصلی و معنایی آن

حفظ شود و چارچوبی معنایی و بیانگر از متن باقی بماند و مواد حشو و همپوش کنار گذاشته شوند. برای این منظور، از طریق رویه‌های تقلیل، نقل معنایی و تعمیم، عبارت‌هایی که در یک سطح تحلیلی با یکدیگر هم‌پوشانی دارند، توضیح‌های زیاد و حتی نمونه‌های مازاد و همپوش، کنار گذاشته می‌شوند تا امکان ایجاد مقوله‌های استقرایی فراهم گردد. به این ترتیب، مقوله‌های فرعی همپوش در یک سطح تحلیلی در قالب مقوله‌های اصلی جمع می‌شوند، و حتی با بازتعریف مقوله‌های اصلی و بازنگری در آن‌ها می‌توان فرایند تقلیل را همچنان ادامه داد.

برای انجام تلخیص، ابتدا داده‌ها به گزاره‌ها، بندها یا عبارت‌ها تبدیل می‌شوند و سپس بخش‌های بی‌ارتباط به پرسش‌های پژوهشی یا بخش‌های همپوش یا دارای معنای مشابه با سایر بخش‌ها کنار گذاشته می‌شوند، و پس از آن، بخش‌های هم‌قالب یا دارای تغییرهای مشابه، در یک مجموعه جمع و خلاصه می‌گردند (میرزایی، ۱۳۹۹: ص ۱۱۲۲). بدین گونه، ترتیب حاصل تحلیل داده‌ها، استخراج مقوله‌هایی بود که بیانگر شرایط اثرگذار بر برقراری تعادل بین نقش شغلی و خانوادگی است. در این پژوهش برای درک کامل‌تر پدیده تحت مطالعه، از روش مصاحبه با پرسش‌های نیمه ساختار یافته بهره گرفته شد. مصاحبه‌ها از ۲۰ دقیقه تا ۶۰ دقیقه به طول انجامید، و انجام آن‌ها بین بازه زمانی مهرماه ۱۳۹۹ تا مهرماه ۱۴۰۰ توسط پژوهش‌گر انجام گردید. پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارت است از:

- روایت زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در مواجهه با زندگی و نقش‌های خانوادگی در ایام کرونا چه آثار و پیامدهایی داشته است؟
- روایت زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در مواجهه با وظایف شغلی - کاری در ایام کرونا چگونه بوده است؟

محل کار	کد مشارکت‌کننده	سن	وضعیت تأهل	سطح تحصیلات	تخصص	محل کار	کد مشارکت‌کننده	سن	وضعیت تأهل	سطح تحصیلات	تخصص
دانشگاه	۱-۱	۶۰	متاهل	دکتری	جامعه‌شناسی	پژوهشگاه	۱۶-۱	۵۵	متاهل	دکتری	مطالعات زنان
	۲-۱	۳۵	مجرد	دکتری	جامعه‌شناسی		۱۷-۱	۵۲	متاهل	دکتری	جامعه‌شناسی
	۳-۱	۵۹	متاهل	دکتری	اقتصاد		۱۸-۱	۴۵	مجرد	دکتری	علوم ارتباطات
	۴-۱	۴۵	مجرد	دکتری	روان‌شناسی اجتماعی		۱۹-۱	۴۳	مجرد	دکتری	مطالعات زنان
	۵-۱	۶۱	متاهل	دکتری	روان‌شناسی		۲۰-۱	۵۴	متاهل	دکتری	جامعه‌شناسی

۶-۱	۴۲	متأهل	دکتری	ادبیات	۲۱-۱	۵۰	متأهل	دکتری	حقوق
۷-۱	۵۸	متأهل	دکتری	حقوق	۲۲-۱	۴۱	مجرد	دکتری	تاریخ
۸-۱	۶۰	متأهل	دکتری	تاریخ	۲۳-۱	۵۶	متأهل	دکتری	اقتصاد
۹-۱	۴۴	مجرد	دکتری	جامعه‌شناسی	۲۴-۱	۴۸	متأهل	دکتری	روان‌شناسی اجتماعی
۱۰-۱	۴۰	مجرد	دکتری	روان‌شناسی اجتماعی	۲۵-۱	۴۹	متأهل	دکتری	جامعه‌شناسی
۱۱-۱	۶۲	متأهل	دکتری	علوم تربیتی	۲۶-۱	۵۵	متأهل	دکتری	علوم ارتباطات
۱۲-۱	۵۲	متأهل	دکتری	علوم ارتباطات	۲۷-۱	۶۰	متأهل	دکتری	جامعه‌شناسی
۱۳-۱	۴۳	متأهل	دکتری	روان‌شناسی	۲۸-۱	۶۲	متأهل	دکتری	علوم تربیتی
۱۴-۱	۴۰	متأهل	دکتری	روان‌شناسی اجتماعی	۲۹-۱	۵۰	متأهل	دکتری	مطالعات زنان
۱۵-۱	۴۲	مجرد	دکتری	مطالعات زنان	۳۰-۱	۶۵	متأهل	دکتری	حقوق

یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج مستخرج، نقش زنان و ایفای وظایف‌شان در مواجهه با زندگی و خانواده در ایام کرونا، خلاقانه است. در این فرایند، حوزه کار شامل مدیریت زمان، محو شدن مرز بین خود شاغل و خود خانه‌دار، چندنقشی بودن هم زمان و فشار نقش‌ها، رسیدگی به امور عقب افتاده پژوهشی و اختلال در روند انجام وظایف بوده است. حوزه زندگی نیز شامل خانه‌نشینی ناگزیر، فرهنگ قرنطینه و شیوه تنها زیستن، رویداد تروماتیک شده، ترومای فرهنگی یا شوک فرهنگی، بازآفرینی در معنای خانه، تغییر شکل اوقات فراغت در خانه و آشفته شدن ایام آسایش مادران، انباشت فرسودگی ناشی از نگرانی سلامت اعضای خانواده به شمار آمده است.

۱. روایت زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در مواجهه با زندگی و نقش‌های خانوادگی در ایام کرونا در حیطه کار و وظایف شغلی:

الف) مدیریت زمان

زنان عضو هیأت علمی بیان کردند که برگزاری کلاس‌های مجازی در خانه، فرصتی را برای انجام فعالیت‌های پژوهشی و آموزش در چند دانشگاه برای‌شان فراهم کرد (چند

پیشگی در فضای مجازی)؛ زیرا قبلاً مدیریت زمان به راحتی صورت نمی‌گرفت، اما در ایام کرونا و قرنطینه خانگی، فرصتی برای مدیریت زمان در رابطه با انجام وظایف کاری و خانه صورت گرفت، به طوری که انعطاف در شرایط محیطی در خانه و زمان برای کار ایجاد شد و دستیابی به ساعات کاری انعطاف‌پذیر گردید، و زنان، توانایی ایجاد تعادل بین کار و زندگی را کسب کردند؛ همچنین افزایش در استقلال کاری ایجاد شد و زمان و هزینه‌های سفرهای کاری کاهش یافت و خود نظمی در انجام امور محوله به وجود آمد؛ نیز توانایی در سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی کارها و امور مربوطه پدیدار شد. به عبارتی، تعادل میان کار و زندگی در میان زنان اعضای هیأت علمی صورت گرفت.

- انعطاف من در ایجاد شرایط محیطی و زمان بندی مناسب برای برقراری توازن میان نقش‌های شغلی و خانوادگی، پس از گذراندن چندماه از بحران کرونا بیشتر شده بود ... (مشارکت کننده ۶-۱).
- در زمان قرنطینه و دورکاری، من سعی می‌کردم زمان بین کارهای اداری و کارهای خانه را با آرامش انجام دهم، و البته خیلی نیز از این شرایط راضی بودم... (کد مشارکت کننده: ۱-۱).

برخی از زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها مطرح کردند، قرنطینه خانگی، فرصت دستیابی به آرامش را برای آنان و اعضای خانواده‌شان فراهم کرده؛ زیرا فرصت مزبور منجر به کاهش خستگی ناشی از رفت و آمد و سفرهای کاری درون‌شهری شد؛ نیز ایجاد امنیت روانی شغلی (به واسطه اطمینان بخشی مدیران جهت انجام وظایف شغلی از منزل) و خانوادگی (ناشی از حضور در کانون خانواده) را به دنبال آورد؛ همچنین اوقات بهتر زندگی در خانه و وجود ساعات کاری منعطف، هزینه کمتر ایاب و ذهاب، کاهش استرس، لذت بردن از اوقات فراغت و ایجاد آرامش در همسر و فرزندان را موجب گردید.

- فاصله جغرافیایی زیادی بین محل کارم با محل زندگی‌ام وجود دارد. قبل از کرونا، باید زمانی را در ترافیک تهران می‌گذراندم تا به محل کار برسم، و بعد مجدداً به خانه برگردم. وقتی به خانه می‌رسیدم، خیلی خسته بودم و نگران از اینکه باید سریع کارهای خانه را انجام دهم و به بچه‌ها رسیدگی کنم؛ اما در زمان قرنطینه خانگی، همین در خانه بودن و رسیدگی به امور و کارها به مراتب بهتر شده و آرامش بیشتری داشتم (کد مشارکت کننده: ۱۸-۱).

ب) محو شدن مرز بین خود شاغل و خود خانه‌دار

ایجاد دورکاری، یکی دیگر از شرایط زمینه‌ای اثرگذار بر تجربه زیسته زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در توازن بین زندگی حرفه‌ای و خانوادگی در زمان کرونا بوده است. با توجه به نتایج مستخرج از مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان، دورکاری در ایام کرونا به معنای ایجاد مثلث ارتباط کاری (خانه، دورکاری، اینترنت و تکنولوژی‌های ارتباطی و سازمان/فضای کاری)، محو شدن مرز بین خود شاغل و خود خانه‌دار، تداخل کاری شغل زن و مرد در خانه، از بین رفتن مرز میان کار حرفه‌ای و مسئولیت‌های خانه و صرفه‌جویی در زمان و انرژی گردیده بود.

- وقتی در دورکاری و قرنطینه خانگی بودم، کارها و وظایف پژوهشی‌ام را در خانه از طریق اینترنت انجام می‌دادم؛ البته بعضی مواقع، تداخل بین کارهای خانه و فعالیت‌های علمی و پژوهشی‌ام ایجاد می‌شد که مدیریت آن برایم سخت بود... (کد مشارکت‌کننده: ۱۳-۱).

دورکاری باعث از بین رفتن مرز میان کار حرفه‌ای و مسئولیت‌های خانه شده بود. به عبارتی دیگر، مرز میان تدریس و انجام وظایف خانه و یا مرز میان وظایف شغلی (پژوهش و ...) و انجام وظایف خانه از بین رفت، و صرفه‌جویی در زمان و انرژی را به دنبال آورد؛ زیرا منجر به کاهش زمان خستگی ناشی از رفت و آمد گردید همچنین انعطاف در انتخاب زمان کار متناسب با شرایط زندگی و فعالیت براساس آهنگ روزانه شخصی را پدید آورد، به طوری که برخی از زنان در اوایل صبح، و برخی در آخر شب، کارهای روزانه خود (ساعات کار منعطف) را انجام می‌دادند. به عبارتی، ساعات کاری در دورکاری از سوی زنان اعضای هیأت علمی، شناور بوده و این موضوع منجر به افزایش کیفیت کاری آنان شده بود؛ حتی برخی از زنان اعضای هیأت علمی معتقداند که فضای خانگی از سوی فرزندان و اعضای خانواده به فضای آفرینش‌های فکری و خلاقانه تبدیل شده بود. بعضی به ایجاد فرصت برای تأمل و بازاندیشی به زندگی نظیر دانستن بیشتر قدر لحظات زندگی، دست برداشتن از عجله و شتاب، زندگی کردن به معنای واقعی، بازنگری در هدف‌گذاری زندگی و قدرت تدبیر در منزل اشاره کرده‌اند. تعدادی دیگر هم توجه به خودشناسی در محیط خانه و ایام قرنطینه را مطرح کرده‌اند. منظور آنان از توجه به خودشناسی، شناخت عمیق از خود (تفکر و تمرکز بیشتر بر خود)، رشد و توسعه شخصی (تمرکز بر اهداف و برنامه‌های زندگی)، کشف علایق شخصی، شناخت بیشتر

توانایی‌ها و قابلیت‌ها و افزایش آن‌ها، توسعه و رشد معنوی خود و فرصتی برای خودسازی و مدیریت خود (قدرت انطباق با تغییرات محیطی) بوده است. برخی نیز به اختلال در گذراندن اوقات فراغت مادران اشاره و یادآور شده‌اند که محیط و فضای خانگی، آشفتگی و یا نبود فراغت شخصی برای مادران ایجاد کرده بود.

ج) چند نقشی بودن هم زمان و فشار نقش‌ها

مشارکت‌کنندگان به چند نقشی بودن هم زمان و فشار نقش‌ها، کنترل وظایف محوله و نظارت و انجام امور، افزایش حجم کار و عدم تفکیک میان وظایف، تداخل ساعات کار و استراحت، کاهش مرز میان مسئولیت در خانه و وظایف شغلی، درهم‌آمیختگی وظایف شغلی و خانوادگی و انجام کار بی‌وقفه اشاره کرده‌اند؛ نیز به تناقض و افزایش نقش‌ها در محیط خانواده (هم زمانی نقش‌هایی چون مادری، همسری، معلمی، دوست بچه‌ها و...) و پاسخگویی به تقاضاهای متعدد شغلی و خانوادگی، صرف انرژی مضاعف ناشی از افزایش سطح انتظارات شغلی و خانوادگی پرداخته‌اند. برخی دیگر، روایاتی از روزمرگی و خستگی روانی مفرط ناشی از افزایش مسئولیت‌ها، و ایفای نقش مستمر خانه‌داری، بی‌حوصلگی در انجام مسئولیت‌ها، نگرانی و اضطراب از ارائه به موقع کارها، افزایش فشار روانی ناشی از حجم زیاد نقش‌ها، برهم خوردن نظم شغلی و فشارهای عصبی ناشی از آن و احساس جداسازی از جامعه ارائه داده‌اند.

- در دوران قرنطینه خانگی و دورکاری، برای انجام مطالعات و پژوهش‌های خود، گاهی هم زمان باید به تماس‌های تلفنی والدین نگرانم پاسخ می‌دادم، وعده‌های غذایی را آماده می‌کردم، و حواسم به قطع و وصل شدن‌های کلاس‌های مجازی فرزندان کلاس اولی‌ام و کلی کار دیگر می‌بود ... (کد مشارکت‌کننده: ۱-۲).

یکی دیگر از زمینه‌های اثرگذار بر تجربه زیسته زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در توازن بین زندگی حرفه‌ای و خانوادگی در زمان کرونا، ظهور مسأله فرهنگی جدید بود. مشارکت‌کنندگان مطرح کرده‌اند که در ایام کرونا، جامعه با مسائل فرهنگی جدیدی هم چون خودآگاهی جمعی، ضربه فرهنگی (شوک فرهنگی)، رویداد تروماتیک شده و ترومای فرهنگی جمعی مواجه شد.

خودآگاهی جمعی به معنای تجربه‌های تمامی افراد و تجربه‌های فرا فردی (خارج از

حیطه شخصی) از التهاب‌های اجتماعی است. در این وضعیت، افراد احساس می‌کنند که در معرض اتفاقی هولناک قرار دارند و ممکن است پیامدهای ویرانگر جبران‌ناپذیر و برگشت‌ناپذیری بر پیکره کلی جامعه بر جای گذارد، و این اتفاق هولناک نه تنها موقعیت امروز، بلکه آینده نزدیک و دور جامعه را نیز به خطر اندازد؛ نیز ممکن است برای همیشه منجر به نابودی هستی افراد گردد. چنین افرادی تلاش می‌کردند، مسئولیت‌های اجتماعی و اخلاقی هر فردی در ایام کرونا را بازتعریف کنند و نشان دهند برای مبارزه با این ویروس، هر فرد در مقام انسانی لازم است سهم خودش را ایفا کند، تا هم به طور فردی و هم جمعی بتوانند با این بحران مبارزه کنند. متخصصان نیز سعی کردند درک جدیدی از روابط انسانی در ایام کرونا به مردم عرضه کنند تا با ماندن در خانه و خودداری از حضور در مکان‌های عمومی به بهانه خرید و توقف دیدار آشنایان و بزرگان (عدم استفاده از الگوهای روابط پیشین)، هم خود و هم جامعه را در سلامت نگه دارند.

از آنجا که مردم نیاز به دیدار همدیگر دارند و امکان ماندن در تنهایی برای‌شان چندان مقدور نیست، به ناچار از الگوهای روابط و مناسبات اجتماعی پیشین استفاده می‌کردند، و در چنین مواقعی به خرید هم می‌رفتند، و حتی گاه برای راحتی و آسایش خود و نزدیکان‌شان به خانه پدر بزرگ و مادر بزرگ مراجعه، تا در کنار آنان در قرنطینه قرار گیرند. مردم هنوز راه و شیوه دیگری برای زندگی توأم با سلامت در شرایط بحران را بلد نبودند، و هم از بیماری و هم از تنهایی می‌ترسیدند.

د) رسیدگی به امور عقب‌افتاده پژوهشی

زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها بیان کردند، توازن در حوزه پژوهش نیز خلاقانه بوده، به طوری که آنان موفق شده به امور عقب‌افتاده پژوهشی (نگارش مقالات، تحقیق و فیش‌برداری، تکمیل کتاب و پروژه‌های ناتمام پژوهشی باقیمانده)، رسیدگی کنند؛ همچنین انجام تولیدات علمی و پژوهشی جدید (نگارش مقالات، تحقیق و پژوهش و نگارش کتاب)، تعیین اولویت‌های پژوهشی و دسترسی به منابع ثانویه (دسترسی به اطلاعات، اسناد و آمارهای رسمی) جهت انجام پژوهش در ایام کرونا انجام گرفته است. در واقع، ایام کرونا، قرنطینه و خانه‌نشینی شدن، برای زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها، فرصتی را در حوزه پژوهش فراهم کرده است.

- وقتی در قرنطینه بودم و به صورت دورکاری کارهایم را در خانه انجام می‌دادم،

فرصتی برایم ایجاد شد تا مقالاتی که در دست داشتم را به اتمام برسانم... (کد مشارکت‌کننده: ۷-۱).

ه) اختلال در روند انجام وظایف

برخی از زنان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها مطرح کرده‌اند، قرنطینه خانگی در روند انجام وظایف محوله آن‌ها اختلال ایجاد می‌کرد. قطع شدن فضای ذهنی در انجام فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی از مواردی است که آن‌ها بدان اشاره کرده‌اند؛ از یک سو عدم وجود زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی مناسب، منجر به قطع اینترنت و اختلال در برگزاری کلاس‌ها، سخنرانی‌ها، نشست‌ها و... می‌شد، و از دگر سو، قرنطینه شهر به ایجاد آشفتگی اساسی در زندگی و به تعلیق درآمدن فعالیت جامعه، تخریب موقعیت‌ها و روابط انسانی، سوءاستفاده‌های گروهی و شخصی (منفعت‌طلبی ناشی از احتکار و گران‌فروشی)، کاهش مناسبات بین همکاران و تماس و ارتباطات بین افراد و مناسبات در حیطة کار، بازار و بین همسایه‌ها، ایجاد بحران‌های فردی و خانوادگی نظیر تنش‌های روانی و عاطفی (بین زوجین و فرزندان، و درگیری بین زوجین و...) می‌گردید.

- من دارای خانه دو اتاق خوابه هستم. یکی برای خودم و همسرم و یکی برای فرزندانم. موقعی که کلاس داشتم، نمی‌توانستم تمرکز کنم. چون سر و صداهای بچه در اتاق خواب ما می‌پیچید و همش مجبور بودم از آن‌ها بخواهم موقع کلاس، کمتر سر و صدا کنند؛ اما آن‌ها می‌گفتند، ما جایی برای بازی نداریم و نمی‌توانیم بیرون رویم (کد مشارکت‌کننده: ۵-۱).
- در اوایل این بحران، آموزش مجازی به دلیل عدم آمادگی، بسیار وقت‌گیر، پر دردسر و خسته‌کننده بود؛ اما از ترم‌های بعد با توجه به بهبود زیرساخت‌های آموزشی، چالش‌های آموزشی کمتر شد (کد مشارکت‌کننده: ۲۶-۱).

۲. روایت زنان موضوع پژوهش در مواجهه با زندگی و نقش‌های خانوادگی در ایام

کرونا در حیطة زندگی خانوادگی:

خانه نشینی ناگزیر

در تهدید و ویروس کرونا، زندگی افراد در موقعیتی قرار گرفته بود که اغلب می‌اندیشیدند چگونه خود را از این مهلکه نجات دهند، در حالی که لازمه کار آن بود که

افراد هم به خود و هم به جامعه بیندیشند. شیوع ویروس مزبور محتاج زنجیره و ارتباطات انسانی بود که در شرایط عادی، جامعه انسانی را می‌سازد؛ اما با ورود ویروس مذکور، این زنجیره و ارتباطات، یعنی همان جامعه انسانی بود که اکنون مورد آسیب قرار گرفته و تعارضی عمیق میان حیات آن که حاصل روابط و مناسبات اجتماعی و تماس‌های بین افراد بود، پدیدار گردیده و مشکلاتی برای جامعه ایجاد کرده بود.

عدم همراهی مردم در اجرای کمپین «در خانه بمانیم»، به معنای قطع زنجیره انسانی بود که مغایر با ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی جامعه به شمار می‌رفت؛ نیز تلاش متخصصان برای مشارکت و همراهی مردم در اجرای کمپین مزبور به معنای ظهور مسئولیت اجتماعی جدید در جامعه، شهروندان را در انزوا قرار داده بود.

- در ایام کرونا و قرنطینه، برنامه‌هایی از طریق تلویزیون و اینترنت پخش می‌شد که مردم را تشویق می‌کردند پروتکل‌های بهداشتی را رعایت کنند و در خانه بمانند؛ ما نیز در خانواده این مساله را پذیرفته و در خانه مانده بودیم... (کد مشارکت‌کننده: ۱۱-۱).

فرهنگ قرنطینه و شیوه تنها زیستن

فرهنگ قرنطینه بر تجربه زیسته زنان موضوع پژوهش، در توازن بین زندگی حرفه‌ای و خانوادگی در زمان کرونا اثرگذار بوده است. با توجه به نتایج مستخرج از مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان، قرنطینه به معنای محروم بودن از هرگونه گردهمایی (اعم از خانوادگی، محله‌ای، شهری، ملی و منطقه‌ای)، ایجاد موقعیت تعلیق در زندگی روزمره و مناسک و آیین‌ها و اجرای هنجارها و ارزش‌های فرهنگی، تأمل درباره شیوه‌هایی تازه از زندگی در بحران (ایجاد سلوک جدید در راهبردها، عادت‌واره‌ها، الگوها، هنجارها، باورها و ایجاد دانش جدید در ذهنیت، زبان، نظام معنایی فرد) در دوره شیوع کرونا تحقق یافت. توجه به حس مشترک ملی و جهانی، انفصال نیافتن همه جانبه از یکدیگر، ارتباط با دیگران از طریق فضای مجازی و تلفن و موبایل، گفتگو با اطرافیان، دوستان، همشهریان و شهروندان) و (جهان رسانه‌ای)، خلوت‌گزینی (کمتر پرداختن به خرید، تأمل کردن در مورد نیاز وجودی خود و باز اندیشی در مورد خویش، دستیابی به فرصتی عرفانی (کسب معرفت تازه در مورد خود، دیگران و جهان)، بازآفرینی خانه و خانواده (ایجاد شکل تازه‌ای

از ارتباط با خانواده، ارزیابی، تحلیل و بازشناسی با دقت و نگاه جدید به خانه و متعلقات آن و محیط زندگی فرد) و وقت آزاد و اوقات فراغت، افزایش چشمگیر یافت.

- تنهایی ناشی از قرنطینه ملی به معنای آن بود که همه در این موقعیت باید در تنهایی جمعی بیندیشیم؛ یعنی تنها من نیستم که تنها هستم، بلکه همه مردم در کشور و جهان تنها هستند و در قرنطینه به سر می‌برند، این اندیشه کمک می‌کرد تا تاب‌آوری ما در شرایط بحرانی افزایش یابد... (کد مشارکت‌کننده: ۱-۱۲).

- در همان سالی که کرونا آمد و جامعه درگیر آن شد و قرنطینه خانگی صورت گرفت، افراد از هم دیگر می‌ترسیدند و خانه هم نیز نمی‌رفتند. در عید نوروز و دیگر روزهای تعطیل، همه از طریق شبکه‌های اجتماعی (واتساپ و اینترنت) با هم تماس می‌گرفتند و جویای حال هم دیگر می‌شدند... (کد مشارکت‌کننده: ۱-۱۹).

در فرهنگ قرنطینه، فرد فرصت می‌باید کمتر به خرید پرداخته و به ندرت جا و مکان خود را در بازار تعریف کند نماید. افراد موقعیت‌هایی می‌یابند تا در مورد نیازهای وجودی خود، تأمل و بازاندیشی کنند. در واقع موقعیت قرنطینه، فرصتی برای افراد فراهم می‌کند تا در مورد خود، دیگران و جهان معرفت و شناختی تازه، به دست آورد.

رویداد تروماتیک شده

رویدادها به طور ذاتی تروماتیک نیستند، بلکه جامعه در موقعیتی معین آن‌ها را با واسطه‌ای اجتماعی (روشنفکران، هنرمندان، روزنامه‌نگاران و شبکه‌های اجتماعی و مطبوعات) به تروما تبدیل می‌کند. در حقیقت این گروه‌ها و ابزارها می‌توانند رویدادی معین و مشخص هم چون کرونا را که افراد احساس می‌کنند در معرض نابودی اند، بازنمایی کنند. رویداد تروماتیک شده باید احساس ویران شدن و خطر پایدار را در افراد جامعه تثبیت کرده و با پذیرش همگانی همراه شود.

ایام کرونا، جامعه به شیوه‌های متفاوت نسبت به ویروس کرونا و شیوع آن ملتهب شده بود و عباراتی از قبیل چه خبر، به نظرت چه خواهد شد، و چه کار باید کرد که حکایت از ناامیدی و ترس داشت، در میان شهروندان رواج یافت و هر جا و هر کس این

کلمات را تکرار می‌کردند. در وضعیت حساس و انباشته از فشار، هر حادثه و رویداد تلخ که ابعاد فراگیر و عمومی داشته باشد، می‌تواند هم چون نشانه یا نمادی از همه بحران‌ها و چالش‌های موجود، عمیق‌ترین لایه‌های احساسی شهروندان را متأثر کند. در واقع، ویروس کرونا و شیوع آن در جامعه، ذهن و ضمیر جمعی جامعه ایران و زنان عضو هیأت علمی را به شدت ملتهب ساخته بود.

- وقتی با هم در ایام کرونا صحبت می‌کردیم، از همه می‌پرسیدیم چه خبر؟ فکر می‌کنی تا چند ماه آینده چه اتفاقی می‌افتد؛ آیا می‌توانند کرونا را کنترل کنند یا نه؟ البته به نظرم توانایی کنترل کرونا را داشتند... (کد مشارکت‌کننده: ۱۳-۱).

ترومای فرهنگی یا شوک فرهنگی

در وضعیت بحران کرونا، زندگی تهدید می‌شد و انسان به طور طبیعی خود را در معرض نیستی احساس می‌کرد. تغییر در مراسم، مناسک و ارزش‌ها صورت گرفت و مفاهیمی جدید در جامعه ظهور یافت؛ از جمله انباشت رنج، سوگ ناتمام و سوگواری‌هایی که به صورت معمول برگزار نمی‌شد. در این موقعیت، افراد احساسی نمودند که توانایی تأمین نیازهای ضروری خود نظیر امنیت، عشق، ارتباط و برقراری نظم را ندارند. ضربه فرهنگی یا شوک فرهنگی، امری طبیعی نیست، بلکه برساخته اجتماعی است.

- مادر و خواهرم را بر اثر ابتلا به ویروس کرونا و فقدان واکسن در همان اوایل این بحران از دست دادم و نتوانستم در مراسم خاکسپاری آن‌ها شرکت کنم؛ به دلیل اینکه خودم هم روی تخت بیمارستان بستری بودم. این سوگ تا وقتی زنده‌ام با من همراه خواهد بود... (مشارکت‌کننده: ۱۹-۱).

بازآفرینی در معنای خانه

در موقعیت قرنطینه، نوعی بازآفرینی در معنای خانه و خانواده رخ داد و شکل تازه‌ای از تعامل و ارتباط با اعضای خانواده اتفاق افتاد. به عبارتی، محدودیت، این فرصت را فراهم کرد تا خانه و تمام متعلقات آن با دقت و دیدگاهی تازه مورد ارزیابی، تحلیل و بازشناسی قرار گیرد. مشارکت‌کنندگان به تجربه خود در همنشینی روزهای متوالی با اعضای

خانواده اشاره کرده‌اند؛ به گونه‌ای که توجه بیشتری به یکدیگر کردند و با کمک و همیاری صمیمانه‌شان نیازهای انسانی، اخلاقی و وجودی خود را تحقق می‌بخشیدند. آنان با مراقبت و توجه ویژه به یکدیگر، فضای مهربانی بین اعضای خانواده را فراهم نمودند به گونه‌ای که خانه دیگر فقط مکان استراحت نبود، بلکه تمام محیط زندگی فرد را تشکیل می‌داد. قابلیت‌های زندگی در خانه نظیر مطالعه، نوشتن، برگزاری کلاس‌های مجازی، گفتگوهای جذاب فکری و عملی بین افراد و با خود بودن، همزمان با دیگران اندیشیده و توجه می‌شد. همه‌گیری کرونا و خانه‌نشینی افراد، سبب افزایش گفتگو، تعامل و مدارا در خانواده‌ها شده بود.

- وقتی در قرنطینه خانگی بودم و کارهایم را به صورت دورکاری انجام می‌دادم، و فقط یک نفر از ما در خانه کرونا می‌گرفت، دیگر افراد خانواده نیز درگیر می‌شدند. جالب این بود که در آن موقع، فقط افراد خانواده سعی می‌کردند از هم مراقبت کنند و به هم برسند... (کد مشارکت‌کننده: ۱۷-۱).

تغییر شکل اوقات فراغت در خانه و فراغت آشفته مادران

یکی دیگر از تجارب زندگی زنان موضوع پژوهش، مسأله اوقات فراغت و تغییر شکل آن در خانه بود؛ البته شیوه گذراندن اوقات فراغت در خانواده قبل از کرونا، دست‌خوش تغییر شده بود، و افراد، زمان بیشتری را برای فراغت در اختیار داشتند؛ به عنوان مثال می‌توان به تماشای فیلم، مطالعه کتاب، و پرداختن به شبکه‌های اجتماعی (به اشتراک‌گذاری پیام‌های نوشتاری و صوتی، و گپ و گفتگوهای اینترنتی) اشاره کرد؛ اما در ایام کرونا، اوقات فراغت کاذب جایگزین اوقات فراغت واقعی (مهمانی در رستوران‌ها، رفتن به گردشگاه‌ها، سینماها و رفتن به سفر) شد؛ زیرا مراکز فرهنگی و تفریحی تعطیل گردید و همه در محیط و فضای خانه در قرنطینه قرار گرفتند. سبک جدیدی در شیوه گذراندن اوقات فراغت مطرح شد و فضای گذراندن اوقات فراغت، فقط «در خانه» تعریف گردید.

سهم تفریحات مجازی از قبیل تولید محتوا و فعالیت در شبکه‌های مجازی نسبت به قبل از کرونا افزایش یافت. برخی زنان اعضای هیأت علمی ابراز کرده‌اند که فضای خانه از سوی فرزندان و دیگر اعضا، به محیط آفرینش‌های فکری و خلاقانه

تبدیل شده بود؛ البته بعضی نیز به اختلال در گذراندن اوقات فراغت مادران اشاره کرده و یادآور شده‌اند که محیط و فضای خانگی، فراغت آشفته برای مادران و یا نبود فراغت شخصی برای آن‌ها را ایجاد کرده بود.

- در ایامی که مجبور به دورکاری بودم، یکی از مهمترین دغدغه‌هایم سرگرم کردن دو فرزند ۷ ساله و ۹ ساله‌ام در منزل بود. از خلاقیت در انجام بازی‌های متفاوت با آن‌ها تا مشارکت دادن‌شان در پخت انواع نان، شیرینی و غذا. زمان استراحت آن‌ها، تازه شروع فعالیت‌های شغلی من بود...

انباشت رنج و نگرانی ناشی از آینده سلامت اعضای خانواده

نگرانی از آسیب رسیدن به سلامت اعضای خانواده، انتظار فردایی بدون من، کاهش امنیت روانی و زندگی و فشار روحی و جسمی در خانه و افزایش استرس‌های شغلی و خانوادگی، موجب ایجاد احساس فرسودگی شده بود. بسیاری از شرکت‌کنندگان در مصاحبه پژوهش پیش رو، به برهم خوردن نظم شغلی و فشارهای عصبی ناشی از آن، احساس جدا شدگی از جامعه و ایزوله شدن، بروز مشکلات عاطفی و خانوادگی، کاهش انگیزه و تحرک بدنی، گله‌مندی اعضای خانواده از یکدیگر، تجربه بی‌معنا شدن زندگی و ایجاد ناامیدی و افسردگی اشاره کرده‌اند.

- کرونا و شیوع آن در جامعه و ابتلای افراد به این بیماری و میزان مرگ و میر بالا، من را نسبت به آینده ناامید کرده بود. به شدت احساس می‌کردم اگر فردایی باشد که من نباشم، چه کسی فرزندان من را نگه خواهد داشت (کد مشارکت‌کننده: ۱۵-۱).

بحث و نتیجه‌گیری

محققان و کنشگرانی که به موضوع مصالحه و تعادل میان کار و زندگی زنان پرداخته‌اند، در پژوهش‌های‌شان نشان داده‌اند که این مسئله در فهم پیشرفت حرفه‌ای و زندگی آنان مهم بوده؛ چرا که زنان شاغل در جامعه ایرانی، همواره با مجموعه‌ای مملو از گسست‌های متنوع و بعضاً متضاد از شکاف‌های جنسی تا شکاف‌های ساختار قدرت و مسئولیت، همراه بوده‌اند. بحران شیوع ویروس کرونا نشان از انباشت و

درهم‌آمیختگی شکاف‌ها و مسئولیت‌های درون و بیرون از خانه برای زنان شاغل و همچنین مشکلاتی در توازن و تعادل میان کار و زندگی به دنبال داشت. طبق یافته‌های پژوهش حاضر از روایت‌های زنان عضو هیأت علمی دانشگاهی و پژوهشی، مؤلفه‌های حوزه کار شامل مدیریت زمان، محو شدن مرز بین خود شاغل و خود خانه‌دار، چندنقشی بودن هم زمان و فشار نقش‌ها، رسیدگی به امور عقب افتاده پژوهشی، اختلال در روند انجام وظایف، و مؤلفه‌های حوزه زندگی شامل خانه نشینی ناگزیر، فرهنگ قرنطینه و شیوه تنها زیستن، رویداد تروماتیک شده، ترومای فرهنگی یا شوک فرهنگی، بازآفرینی در معنای خانه، تغییر شکل اوقات فراغت در خانه و فراغت آشفته مادران، انباشت فرسودگی ناشی از نگرانی سلامت اعضای خانواده، ظهور پیدا کرده است.

- یافته دیگر مبین آن است که در ایام کرونا و قرنطینه خانگی، برای زنان عضو هیأت علمی، فرصتی برای مدیریت زمان در رابطه با انجام وظایف کاری و خانه فراهم گردید، به طوری که آن‌ها، انعطاف در شرایط محیطی در خانه و زمان برای توانایی ایجاد تعادل بین کار و زندگی را کسب کردند، و این امر فرصتی را برای آنان در حوزه پژوهش فراهم کرد. افزون بر این در موقعیت قرنطینه، بازآفرینی در معنای خانه و خانواده رخ داد و شکل تازه‌ای از تعامل و ارتباط با اعضای خانواده اتفاق افتاد. به عبارتی، محدودیت در خانه، این فرصت را به وجود آورد تا خانه و تمام متعلقات آن با دقت و دیدگاه‌های تازه مورد ارزیابی، تحلیل و بازشناسی قرار گیرد. در پیشینه تحقیق نیز به این نکات اشاره شده است.
- با توجه به نتایج مستخرج از مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان، دورکاری در ایام کرونا به معنای ایجاد مثلث ارتباط کاری (خانه / دورکاری، اینترنت و تکنولوژی‌های ارتباطی و سازمان / فضای کاری)، محو شدن مرز بین خود شاغل و خود خانه‌دار، تداخل کاری شغل زن و مرد در خانه، از بین رفتن مرز میان کار حرفه‌ای و مسئولیت‌های خانه و صرفه‌جویی در زمان و انرژی بوده است. مشارکت‌کنندگان به چند نقشی بودن هم زمان و فشار نقش‌ها، کنترل وظایف محوله، نظارت و انجام امور اشاره کرده‌اند. در کنار این آثار و پیامدها،

نقش مستمر خانه‌داری، بی‌حوصلگی در انجام مسئولیت‌ها، نگرانی و اضطراب از ارائه به موقع کارها، افزایش فشار روانی ناشی از حجم زیاد نقش‌ها، برهم خوردن نظم شغلی و فشارهای عصبی ناشی از آن، احساس جداسازی از جامعه، ایزوله شدن و دوری از اجتماع، بروز مشکلات عاطفی و خانوادگی، کاهش انگیزه و تحرک بدنی، گله‌مندی از یکدیگر، تجربه بی‌معنا شدن زندگی و ایجاد ناامیدی و افسردگی، بعضاً از مشکلاتی بوده که این دسته از زنان جامعه را در ایام کرونا درگیر کرد. «خانه‌نشینی ناگزیر» را پذیرا شدند، در حالی که خانه‌ها پذیرای‌شان نبودند. در این حضور، افزایش مناقشات در خانواده و همچنین اضطراب چرخشی در ذهن، جسم و روان و اضطراب چند لایه در بین اعضای خانواده و افراد جامعه شکل گرفت....

منابع

- ادیب حاج باقری، محسن؛ پرویزی، سور؛ صلصالی، مهوش (۱۳۸۶)، روش‌های تحقیق کیفی، تهران: نشر بشری.
- حلواچی، حامد؛ خیراندیش، مهدی (۱۳۹۹)، فرا تحلیل پیشایندها و پیامدهای توازن کار - زندگی، فصلنامه مطالعات مدیریت بهبود و تحول، دوره ۲۹، شماره ۹۷.
- خامه چی، ح، خیراندیش، م، حسن پور، ع، و وکیلی، ی. (۱۳۹۹). فرا تحلیلی از سوابق و پیامدهای تعادل کار و زندگی. مطالعات مدیریت در توسعه و تکامل، ۲۹(۹۷).
- دباغی، حمیده (۱۴۰۰). زنان دانشگاهی و تعارض کار و زندگی، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۹، شماره ۲.
- فلاحتی، لیلیا؛ محبوبی شریعت پناهی، نسیم السادات (۱۴۰۱)، مطالعه تطبیقی فشار نقش‌های چندگانه ناشی از کرونا بر زنان در خانواده با تاکید بر نظریه اخلاق مراقبت، فصلنامه مطالعات اجتماعی، سال ۱۵، شماره ۳.
- میرزایی، حسین (۱۳۹۹). مجموعه جستارهای جامعه ایرانی و بحران کرونا (۱): جستارهایی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی بحران ویروس کرونا در ایران، موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- میرحسینی، زهرا (۱۴۰۰). مطالعه کیفی مسائل و چالش‌های زندگی زنان در همه‌گیری کووید-۱۹، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره ۱.

– هاشمیان، سید مجتبی، فریبرزنیا، رحیم و همکاران (۱۳۹۹). شناسایی عوامل تعدیل‌گر ارتباط سنگین باری نقش و رفتارهای بازآفرینی تعادل کار - زندگی بین اعضای هیئت علمی دانشگاه، فصلنامه مدیریت سازمان های دولتی، دوره ۸، شماره ۴، پیاپی ۳۲.

- Alexander, J. (۲۰۰۴) "Toward a Theory of Cultural Trauma", in Eyerman, Ron, Cultural Truma and Collective Identity. Berkeley, CA: Univercity of California press, pp. ۳۰-۱
- Casper, W. J., Vaziri, H., Wayne, J. H., DeHauw, S., & Greenhaus, J. (۲۰۱۸). The jingle-jangle of work-nonwork balance: A comprehensive and meta- analytic review of its meaning and measurement, Journal of Applied Psychology, ۱۰۳(۲), ۲۱۴-۱۸۲
- Vasumathi, A. (۲۰۱۸). Work life balance of women employees: a literature review, International Journal of Service and Operation Management, ۲۹(۱), ۱۴۶-۱۰۰





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی